وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

چه کسانی در حادثهٔ دوم حمل هرات مسوولند ؟

ص۲

در حاشیهٔ سال تعلیمی جدید

آماده کردن کودک برای ورود به مکتب

ص۵

دور ششم سال سوم شمارهٔ اول چهارشنبه ۵ حمل ۱۳۸۳ ۳ صفرالمظفر ۱۴۲۵ - 24 March 2004

هرات میرویس را باشکوه تشییع کرد واز اسماعیل خان باگرمی حمایت نمود

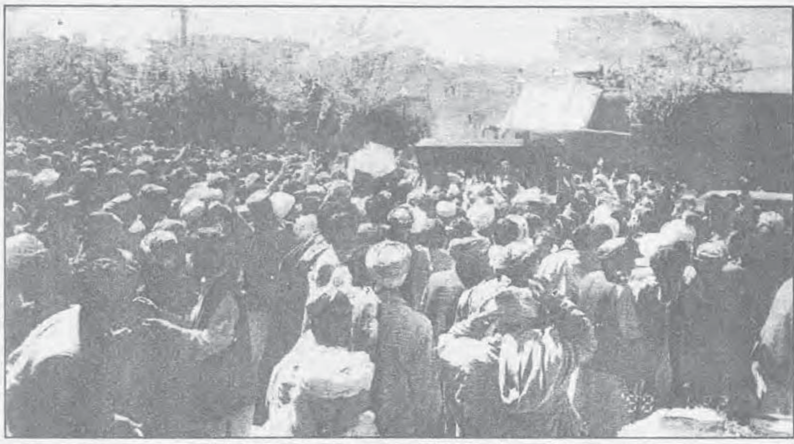
مصطفی شهری



ما یک گروه بیش از ده نفر به نمایندگی از جمعیت اسلامی افغانستان صبح روز سه شنبه از کابل جهت اشتراک در تشییع جنازهٔ وزیر هوانوردی دولت انتقالی اسلامی افغانستان میرویس صادق به هرات رفتیم.

وقتی حوالی ساعت هشت صبح به فرودگاه هرات رسیدیم، مستقیماً به اقامتگاه امیر اسماعیل خان جهت ادای تسلیت وتعزیت رفتیم، مردم دسته دسته زن ومرد، پیروجوان برای انجام این کار به منزل او می آمدند، تا آن که وقت نماز ظهر فرا رسید

ص۳



شهادت شیخ احمد یاسین رهبر معنوی فلسطینیان وپیامدهای آن

مجتبی مهرورز

شیخ احمد یاسین رهبرحرکت حماس، سحرگاه روز دوشنبه گذشته سوم حمل هنگامی که پس از ادای نماز صبح از مسجدی در شهر غزه راهی منزل خویش بود هدف اصابت موشک های پرتاب شده توسط هلیکوپترهای جنگی اسرائیلی قرار گرفت و همراه هفت تن دیگر شهید شد.

در پی این حادثه، ده ها هزارتن از سوگواران در حالی که شعارهای ادامهٔ راه شیخ یاسین وانتقام او را سر می دادند ضمن تظاهراتی گسترده در تمام شهرهای فلسطین به ویژه نوار غزه، جسد رهبر حماس را از بیمارستان تا خانهٔ وی تشییع کردند وپس از نماز جنازه، وی را در غزه به خاک سپردند.

اریل شارون صدراعظم اسرائیل ترور شیخ احمدیاسین را طراحی وسازماندهی نموده است اما در کابینهٔ وی مخالفت هایی از سوی عده یی از وزرا برخاسته است. شارون گفته است به این دلیل دست به قتل وی یازیده است که وی در قتل افراد نظامی وملکی اسرائیلی دست داشته ومسؤول



درجه یک در این زمینه می باشد. همزمان باآن، اریل شارون از طریق تلویزیون آن کشور به خاطر دفاع از عملکرد خویش ترور شیخ احمد یاسین را به یهودی های آن کشور تبریک گفته است.

ص۷

پیام محترم استاد ربانی به مناسبت

شهادت میرویس صادق وزیرهوانوردی وفاجعهٔ اخیر هرات

خداوند بزرگ در قرآن کریم می فرماید:

هوالذی خلق الموت والحیاه لیبلوکم أیکم أحسن عملاً«او(خداوند) کسی است که مرگ وزندگی را آفریده است تا شما را بیازمایید که کدام یک شما نکوکارتر است»

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در مرگ فرزندش ابراهیم گفته است: (إن العین لتدمع وإن القلب لیحزن لفراقک یاإبراهیم، ولکن لانقول إلا ما قال الله: إنا لله وإنا إلیه راجعون.) «ازفراق تو چشم اشک می ریزد وقلب سوگوار است از فراق تو ای ابراهیم! ولی جز آنچه خدا گفته است نمی گوییم: ما از خداییم وبه سوی او باز می گردیم»

شهادت میرویس صادق وزیر هوانوردی و حادثهٔ اغتشاش روز یکشنبه دوم حمل هرات بردولت و مردم وامنیت افغانستان ضربه یی شدید وارد آورده است.

ص۷

میرویس صادق چگونه به شهادت رسید وجنگ در هرات چطور آغاز شد؟

عصر روز یکشنبه ۲حمل ۱۳۸۳ خبر کشته شدن میرویس صادق وزیر هوانوردی فرزند ارشد امیر اسماعیل خان فرمانده جهاد ومقاومت و والی هرات باچند تن از دوستانش و درگیری مسلحانه در شهر هرات از سوی رسانه های خبری پخش شد.

بسیاری از رسانه ها علت کشته شدن میرویس صادق را حملهٔ مسلحانهٔ او برمنزل مسکونی عبدالظاهر نائب زاده قوماندان فرقهٔ شمار ۱۷هرات وعکس العمل مشابه افراد مسلح نائب زاده در برابر آنان خواندند. علت درگیری مسلحانه در هرات را نیز حملهٔ افرادی از امیر اسماعیل خان برتعدادی از نیروهای عبدالظاهر نائب زاده گزارش دادند.

وقتی صبح روز سه شنبه جهت شرکت در تشییع جنازه و دعاخوانی به شهر هرات رسیدیم، بسیاری از این گزارش ها را وارونه ونادرست یافتیم.

تعدادی زیاد از نزدیکان امیر اسماعیل خان گفتند که حادثهٔ روز یکشنبه هرات از سوء قصد به جان امیر اسماعیل خان آغاز شد. امیر اسماعیل خان ساعت۲ پس از ظهر وارد باغ ملت گردیده بود ، یک گروه مسلح سه چهار نفری خواستند باسلاح های

ص۳

پیام جمعیت اسلامی افغانستان در رابطه با

شهادت شیخ احمد یاسین پیشوای معنوی فلسطین

من المؤمنین رجال صدقوا ماعاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه ومنهم من ینتظر ومابدلوا تبدیلاً

ترور شیخ احمدیاسین رهبر روحانی فلسطین وبه شهادت رسانیدن او توسط نیروهای اسرائیلی در روز دو شنبه گذشته نه تنها پاگذاشتن برمیثاق ها وموازین بین المللی ومعیارهای انسانی بود که جنایتی تکان دهنده بود برهمهٔ وجدان های بیدار بشری.

یقیناً ارتکاب همچو جنایتی آن هم در برابر پیر مرد مفلوجی که جز دفاع از حقوق انسانی ملتش وافشای برنامه های ضد انسانی اشغالگران، حرفی نداشت، از دیدگاه همه دین ها وآئین ها ومعیارهای انسانی گناهی نابخشودنی تلقی می گردد.

ص۷

خاطرات "سفرقندهار"

ص۲

دراثر برخورد خشونت آمیز نیروهای امنیتی ریاست جمهوری

ژورنالیستان کنفرانس خبری رئیس دولت را ترک کردند

ساعت ده وسی دقیقهٔ روز چهار شنبه پس از برخورد محافظان امنیتی، با دو تن از خبر نگارانی که سرگرم آماده ساختن وسایل صوتی شان بودند، همه خبرنگاران، به نشانهٔ اعتراض، ارگ ریاست جمهوری را ترک گفتند.

ص۷

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیات تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

چه کسانی در حادثهٔ دوم حمل هرات مسؤولند ؟

حادثهٔ فاجعه آمیز یکشنبه دوم حمل هرات که منجر به کشته شدن میرویس صادق وزیر هوانوردی پسر ارشد امیر اسماعیل خان و دست کم ۱۵ تن دیگر گردید از کجا ناشی شده است؟

در زمینه ریشه شناختی و علل این حادثه از زاویه ها و نگرشهای متفاوت پاسخهای متفاوت ارائه شده است ، مقامات رسمی دولت انتقالی اسلامی افغانستان و رسانه های بسته به آن و برخی از رسانه های بیرونی به تصریح و تلویح آن را درگیری میان نیرو های دولتی به فرماندهی عبدالظاهر نائب زاده قوماندان فرقهٔ هفدهٔ هرات و نیروهای غیر دولتی فرقهٔ جهادی هرات وابسته به شخص امیراسماعیل خان وانمود شده اند و کشته شدن میرویس صادق و دیگران را در نتیجهٔ این درگیری نشان داده اند حتی برخی از مطبوعات دولتی در این زمینه نوشته است که انجام چنین نافرمانی ها در اشارت به مواضع اسماعیل خان از دولت مرکزی برایندی جز این نخواهد داشت در حالی که امیر اسماعیل خان و هواداران او این کار را کودتا و جزئی از برنامه یی می دانند که از دیر باز بر ضد او و ثبات هرات سازمان داده شده است .

حقیقت امر هرچه باشد اما چند مطلب چنان روشن است که نیازی به استدلال ندارد . از آغاز استقرار ادارهٔ موقت به ویژه پس از برگزاری شورای کبیر (لویه جرگه) اضطراری به گونه یی آشکار بر ضد مجاهدان و حضور فعال آنان تبلیغات سازمان داده شده است.

در این جبهه آرایی بر ضد مجاهدان حتی موفق ترین کسانی مانند امیر اسماعیل خان هم مستثنی نشده اند. راستی چه کسی می تواند کارآیی و توانمندی او را در عرصه های بازسازی و تامین امنیت و ثبات و مبارزه با تولید و بازار مواد مخدر و ... انکار ورزد؟

البته این سخن به مفهوم این نیست که اسماعیل خان را از شمار فرشتگان دانیم و خالی از نقص بشری ، اما به یقین او از شمار بدترین های افغانستان نیست که همهٔ عداوت ها را بر وی ریزیم . اگر کسانی باشند که شایستگی های اورا در این عرصه ها انکار ورزند بی اندکترین شک بخشی بزرگ از مردم هرات او را سردار سازندگی و امنیت و ثبات در ولایت شان می دانند.

این جو بی اعتمادی میان مرکز و هرات در تشویق و ترغیب ستیزه جویانی بر ضد ادارهٔ این ولایت و بی گمان در به میان آمدن این حوادث نقش داشته است.

به دولت مرکزی سزاوار است که با درک و اقدام بخردانه راه ظهور یک چنین ناهنجار ها را سد کند و به گسترش روند بازسازی و امنیت و ثبات شتاب دهد . و این تنها از راه تفاهم و کسب اعتماد میسر است نه از راه اعمال فشار و به کار بردن شیوه های غیر آشکار. این ها و آن ها همه مسائلی است که تجربه نه یکبار که چندین بار حتی در همین کشور خودمان درستی و نادرستی آنان را نشان داده است.

خاطرات "سفر قندهار"

وحید مژده

قندهار در تاریخ افغانستان از اهمیتی ویژه برخوردار بوده است. بنیاد افغانستان معاصر در قندهار نهاده شد. احمدشاه درانی با اعلام استقلال افغانستان، قندهار را پایتخت قرار داد.

قبل از وی حاجی میرویس خان هوتک با قیام علیه بیداد گماشتهٔ ایران در قندهار، بنیان گذار سلسلهٔ شاهان هوتکی قندهار گردید. سلسله یی که اصفهان پایتخت صفوی ها را نیز فتح کرد. در تاریخ ایران این قیام را «فتنهٔ افاغنه» نام نهاده اند.

احمد شاه درانی هرچند درگیر فتوحات هند بود و فرصت کمتری برای پرداختن به اعمار شهر ها یافت اما از توجه به قندهار غافل نبود. او می خواست قندهار را شهری بسازد که از اهمیت مذهبی نیز برخوردار باشد همان گونه که مشهد به خاطر مرقد امام موسی الرضا(رض) از چنین موقعیت و اهمیتی برخوردار است.

احمد شاه بابا برای این منظور چشم به جامهٔ پیامبر(ص) که در بخارا نگهداری می شد دوخته بود. این جامه قبای ساخته شده از پشم شتربوده و به خرقهٔ مبارک معروف است. وقتی متولیان خرقهٔ مبارک در بخارا از ترس این که مبادا او خرقه را تصاحب نموده به قندهار منتقل سازد، از نشان دادن خرقه به احمدشاه درانی خودداری کردند احمد شاه در مقابل سوگند یاد کرد که خرقه را از سنگ بزرگی که در نزدیکی آن محل قرار داشت جلوتر نبرد. وقتی خرقه را به او نشان دادند احمد شاه خرقه را به دست گرفت و دستور داد تا سنگ بزرگ را برفیلی نهند و به سوی قندهار حرکت کنند. بیچاره فیل که باید برای به جا شدن سوگند شاه، جور بار این سنگ سنگین از بخارا تا قندهار را به دوش بکشد و حیلهٔ شاهانه برای تصاحب شرعی جامهٔ پیامبر به جا گردد!

چنین شد و خرقهٔ مبارک به قندهار منتقل گردید.(۱) احمدشاه درانی عمارت زیبایی در خور شان جامهٔ پیامبر ساخت و خرقهٔ مبارک را در آنجا نهاد. سنگ بزرگ، یادگار بجا شدن سوگند شاه وزحمتی که فیل از بخارا تا قندهار برد، در نزدیک این عمارت تا به امروز باقی است.

هرچند پس از احمد شاه درانی پسرش اعلیحضرت تیمور شاه پایتخت را به کابل منتقل ساخت اما قندهار همچنان مهم بود.

در نهضت مشروطیت، قندهار نقش مهم داشت. در چهره های پیشتاز این نهضت که به زندان افتادند و یا به دهن توپ بسته شدند و گم و گور گردیدند، عدهٔ زیادی از قندهار بودند.

حرکت «ویش زلمیان» در نیمهٔ نخست قرن بیستم از قندهار آغاز شد و بعد ها احزاب متعددی از همین حرکت سربیرون آوردند.

حرکت طالبان از قندهار سر بلند کرد و بر بخش اعظمی از کشور مسلط گردید. شکست کامل نظام طالبان پس از شکست آنان در قندهار مسجل شد و قبل از آن، واقعهٔ یازدهم سپتامبر که سیاست جهانی را یکسره دگرگون ساخت ریشه در قندهار داشت. شهری محصور در میان دشت های سوزان که در مقایسه با شهر های بزرگ جهان به یک روستا شبیه است این همه نقش و اثر در خویش نهفته دارد. آیا عجیب نیست؟

من به این شهر بارها مسافرت کرده بودم ولی قندهار امروز را با آنچه که در گذشته دیده بودم بسیار متفاوت یافتم. دیگر از جاده های تنگ و خاک آلود و مزدحم کمتر نشانی به چشم می خورد. باز سازی در قندهار بسیار چشمگیر است. پارک وسیعی که در مرکز شهر ساخته شده مرا بیاد پارک آرمی ستدیوم در پشاور انداخت. تأسیساتی برای تفریح در آن وجود دارد که هنوز آمادهٔ بهره برداری نیست. روشنایی چراغ های پرتور برق این پارک را در شب چون روز روشن می سازد. بازسازی به این پیمانه در کابل شاید تا سالها بعد نیز مجال پیاده شدن نیابد.

از هر کسی که بپرسی از خدمات گل آقا شیرزی والی سابق این ولایت سخن می گوید. در هر جایی که بنایی و یا تجدید بنایی را به نظاره می نشینی از عمارت خرقهٔ مبارک تا آرامگاه میرویس خان و احمدشاه درانی، در همه جا ذکر خیری از شیرزی درمیان است. درهمه جا عکس های او به چشم می خورد. وقتی کسی که مدتها قبل از مقام خویش به عنوان والی در آن ولایت سبکدوش گردیده است هنور هم در این شهر هوادار و دعاگو دارد، باید پذیرفت که جایی در دلها باز کرده که هنوز هم یادش در خاطره ها زنده است. سخاوت او در برابر مستمندان از مواردی بود که زیاد شنیده می شد. شیرزی رؤیت بدون حضور خود را در این شهر همچنان حفظ کرده است.

شیرزی قهرمان مردم قندهار به شمار می آید. حتی کسانی که به خاطر تعلق خاطر با طالبان شاید از شیرزی خوش شان نیاید وقتی از خدمات او و سخن به میان می آید، قادر نیستند تا از تحسین او در بازسازی قندهار خودداری کنند. با تنی چند از مردم شهر، این سوال را مطرح کردم که در انتخابات ریاست جمهوری به چه کسی رأی خواهند داد و جواب تقریبا این بود که به کسی رأی خواهند داد که شیرزی از او حمایت کند.

اما نباید گمان کرد که همه چیز در این شهر به همین خوبی است. قندهار زشتی خویش را در زندان خود نمایان می سازد. زندانی که از زمان طالبان تا امروز یاد آور بیداد است و ظلم و عرق شرم بر پیشانی عدالت!

اما نباید گمان کرد که همه چیز در این شهر به همین خوبی است. قندهار زشتی خویش را در زندان خود نمایان می سازد. زندانی که از زمان طالبان تا امروز یاد آور بیداد است و ظلم و عرق شرم بر پیشانی عدالت!

شیرزی قهرمان مردم قندهار به شمار می آید. حتی کسانی که به خاطر تعلق خاطر با طالبان شاید از شیرزی خوش شان نیاید وقتی از خدمات او و سخن به میان می آید، قادر نیستند تا از تحسین او در بازسازی قندهار خودداری کنند

زندان قندهار در نزدیکی سرپوزه قرار دارد و نزدیک ظهر به دیدن این زندان رفتیم. داستان جالب فرار دهها زندانی از زندان این شهر را یوسف پشتون والی فعلی این شهر حکایت کرد. در هنگام دیدار از زندان به ما گفته شد که زندانیان چندین هفته مشغول کندن یک تونل به طول دهها متر برای فرار بوده اند و دهها متر مکعب خاک را نیز در یکی از اطاقها روی هم انباشته بودند بدون این که کسی به آن توجه نماید.

جالب تر از همه این که بخشی از تونل در محوطهٔ داخل زندان ریزش نمود و یا در اثر اشتباه سوراخی در داخل محوطه که فقط زندانبانان حق رفتن به آن ساحه را داشتند نمایان شد. کسانی شاخه های درخت را به روی سوراخ نهاده بودند تا جلب توجه نکند. این خود نشان می دهد که همه زندانبانان آن زمان در فرار زندانیان همکاری داشتند. فرار عده یی عملی شد و عده یی از زندانیان از فرار ابا ورزیدند. آنها هنوز هم زندانی اند.

هنگام دیدار ما از زندان قندهار در آنجا ۱۸۳ محبوس ذکور۴۰۹ محبوس توقیفی ذکور وجود داشت که ۳۱ طفل هم شامل این محبوسان بودند. به ما گفته شد که در این زندان محبوس سیاسی وجود ندارد اما شخصی بنام عبدالولی خودش را به من رساند و گفت که به اتهام همکاری با طالبان زندانی است ولی از هنگام زندانی شدن در چند ماه قبل از وی تحقیق صورت نگرفته است. و این اتهام را بی اساس و فقط ناشی از سوءظن سرنوال خواند.

ص۶

هرات میرویس را باشکوه تشییع کرد واز اسماعیل خان ...

وموعد اداى نماز جنازه، به مسجد جامع هرات محل برگزارى نماز جنازه رفتیم، ایوان بزرگ مسجد جامع از ازدحام وانبوه



جمعیت عزادار به تنگ آمده بود، ما به عنوان کسانی که از کابل آمده بودیم به داخل مسجد رهنمایی شدیم. بعد از اداى نماز ظهر تابوت های میرویس و یارانش بردوش جمعیتی بزرگ وارد صحن مسجد گردیدند، از در آمیختن این توده های عزادار انسانی که باحمل تابوت ها شعارهایی در تعزیت ونکوهیدن این فاجعه سر می دادند، دریایی متلاطم از انسان ها را ساخته بودند، جنازه بردوشان به بسیار سختی توانستند تابوت ها را به مسجد وارد واز آن خارج کنند.

وقتی جهت تدفین جنازه ها به سوی گورستان خواجه عبدالله انصاری در شمال شهر هرات سوار بر اتوبوس شدیم، چنین می نمود که همهٔ ساکنان هرات در این تشییع شرکت ورزیده اند. از مسجد جامع تامحل تدفین نزدیک به ده کیلومتر بردو سوی جاده زن ومرد وکودک وپیر صف کشیده بودند وجمعیتی گسترده در اطراف محل تدفین نیز گرد آمده بودند، وقتی جنازه ها به محل تدفین رسیدند از کثرت جمعیت گرد آمده چنین می نمود که هراتیان همه در تشییع جنازهٔ شهیدان شان شرکت ورزیده بودند. برخی از دوستان شمار اشتراک کنندگان در این مراسم را به بیشتر از پنجصد هزار نفر تخمین می زدند.

اشتراک کنندگان دراین همایش تعزیت با سردادن شعر و شعار حادثه را محکوم می کردند و از اسماعیل خان ابراز حمایت می نمودند. این همایش به باور برخی از تحلیلگران ضمن این که ابراز سوگواری و تعزیت به قربانیان شهید بود همایشی بزرگ در حمایت از اسماعیل خان و نمایش قدرت گستردهٔ او در میان مردم نیز بود.

یکی از شعار هایی که این



جمعیت سوگوار سر می داد « امیر ما اسماعیل خان حمایتت می کنیم» بود که بی تردید انتخاب آن در این شرایط ویژه پیام هایی معنی دار داشت.

در مراسم تدفین مارشال فهیم وزیر دفاع ملی ومعاون رئیس دولت سخنرانی کرد، او از جانب خود وحامد کرزی رئیس دولت به امیر اسماعیل خان ومردم هرات تعزیت گفت وعاملان حادثهٔ قتل میرویس صادق ویاران او را نا آگاهان خواند ومردم هرات را به خویشتن داری وصبر وتحمل دعوت کرد. پس از وی آقای علی احمد جلالی وزیر داخله سخن راند او نیز به گفته های مارشال فهیم تأکید کرد. سپس واقف حکیمی پیام تعزیت وتسلیت استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت را خواند که در این شماره به نشر رسیده است. پس از وی امیر اسماعیل به منصه آمد، او که بسیار استوار وآهنین به نظر می رسید وقتی به سخن گفتن آغاز کرد جمعیت انبوه لحظاتی متوالی او را با سر دادن شعارهایی در پشتیبانی وحمایت به سخن گفتن مجال ندادند. اسماعیل خان سوء قصد به جان خودش وشهادت میرویس وبارانش را یک توطئه وکودتا علیه رهبری هرات خواند واز دولت خواست که عاملان آن را به پنجهٔ قانون بسپارد وبه گونه یی گلایه آمیز از دولت انتقاد کرد که حرف های او را در جلوگیری از محورهای آشوبگری ناشنیده گرفته است، به گونهٔ مثال امان الله زیرکوه در شیندند۷۵ نفر از هراتیان را کشته است ولی دولت در این باره اقدامی نکرده است.

اسماعیل خان در پایان سخنانش به تکرار گفت: «اگر دولت توان این کار را ندارد به جوانان هرات اجازه دهد تا آنان خود اقدام به چنین کاری ورزند».

او همچنان از مردم هرات خواست خویشتن داری از خودشان نشان بدهند وسعی کنند که به خانواده های بادغیس باشندهٔ هرات آسیب نرسد.

پس از آن جوانی به نام آقای قادری مقالتی خواند وباتصریح واشارت دولت را در وقوع این حادثه مقصر معرفی کرد ودر کل روند تبلیغات برضد هرات را در به وجود آمدن این حادثه مؤثر دانست.



میرویس صادق چگونه به شهادت ...

خود وارد باغ شوند که از سوی محافظان امیر اسماعیل خان، ممانعت شدند ولی آنان به گفتهٔ این اطرافیان امیر اسماعیل خان به



شهید غلام صدیق بختیار

نزدیک شدن به امیر اسماعیل اصرار می ورزیدند درهمین اثنا یکی از آنان از فاصله یی از اندکی دور به سوی امیر اسماعیل خان شلیک کرد ولی به هدف نرسید وآن مرد به ضرب گلولهٔ نگهبان امیر اسماعیل خان از پای درافتاد. یکی از انان دستگیر شد ویک تن دیگر فرار کرد وموتر شان برجای ماند.

امید نصیر علوی رئیس امنیت هرات و غلام فاروق و سید حقیقی خبرنگار رادیو بی بی سی می گویند در این روز او با چندین تن از دوستانش و چند تن دیگر به خارج شهر جهت شکار رفته بود، حوالی ساعت چهار پس از ظهر دو ساعت پس از وقوع حادثه سوء قصد به جان پدرش حین بازگشت به شهر بی اطلاع از این حادثه به خانهٔ نائب زاده می رود تا با او صحبت کند تا در زدودن تیرگی میان او و پدرش میانجی گری نماید.

آقای علوی رئیس امنیت هرات گفت: حین بازگشت از شکارگاه موتر حامل میرویس صادق بیشتر ازما حرکت کرد، خانهٔ عبدالظاهر نائب زاده بر سر راه ما بود، وقتی من نزدیک خانهٔ او رسیدم صدای شلیک راکت آر، پی، جی هفت به گوشمان رسید، وقتی درب خانهٔ نائب زاده رسیدیم دیدیم که میرویس با غلام فاروق به خاک و خون افتاده اند و از سرنشینان موتر وزیر هوانوردی تنها یک نفر جان به سلامت برده است و او سعید حقیقی است که خود را در پشت دروازهٔ خانهٔ نائب زاده پنهان کرده بودو من وقتی به جسد میرویس نزدیک شدم من نیز مورد شلیک قرار گرفتم و دستم مجروح شد.

وقتی خبر شهادت میرویس و دوستانش در شهر پیچید گروهی از دوستان و طرفداران او بر خانهٔ نائب زاده ریختند و به فرقهٔ ۱۷ محل کار او هجوم بردند و درگیری آغاز شد و این درگیری یک شب و روز دوام کرد.

تعداد کشته شدگان در این درگیری از سوی طرفین را رسانه ها و حتی سخنگوی دولت ۱۰۰ و بیشتر از ۱۰۰ نفر



شهید غلام نبی محمدی

گزارش دادند ولی در هرات از هرکه پرسیدم تعداد آنان را از ۱۵ نفر بالا نگفتند. بسیاری از منابع می گفتند که به شمول وزیر هوانوردی و همراهانش هفت نفر از سوی افراد امیر اسماعیل خان و هشت نفر از جمله افراد نائب زاده کشته شده اند. این در حالی است که تعداد کشته شدگان در آخرین گزارش سخنگوی ریاست دولت آقای جاوید لودین در چهارشنبه چهل تن گزارش شده است، هرچند این رقم با عدد ۱۰۰ که روز پیش از طرف شخص وی گفته شده بود بسیار تفاوت دارد اما هنوز بین ۴۰ و ۱۵ فاصله یی زیاد موجود است.

گزری

محمداسحاق فایز

"در خط بی خاصیت زمان"

دفتر شعر سیدفریدون ابراهیمی



«درخط بی خاصیت زمان» دومین مجموعهٔ شعری شاعر جوان سید فریدون ابراهیمی از چاپ برآمد.

شاعر مجموعهٔ تازهٔ خود را به خواهرش اهدا کرده وآن را بدون مقدمه ویاد داشتی از خود ودیگران چاپ کرده است که می توانم آن را یک گام در راه استقلال یابی وپرهیز از داوری های خوب وبد مقدمه نویسان بدانم.

مسلماً آنچه که شاعران به وسیلهٔ آن مکنونات درونی وبازتاب های ذهنی شان را بیان می کنند زبان است، وشاعران با این وسیلهٔ مرموز وپیچیدهٔ طبیعی، انسان ها را مخاطب قرار می دهند عاطفه، نفرت، عشق وهزاران مظاهر معنوی خود را به آن طریق به دیگران انتقال می دهند.

از آن جایی که شعر یکی از پدیده های برجستهٔ فرهنگ بشر است و در آن تخیل وتصویر پردازی بیشتر به کار می رود وشاعر از طریق به کار برد استعاره، تشبیه وسمبول و... متوسل می شود، در یافت مکنونات باطنی شاعر پیچیده ودشوار می گردد واز همین روی است که شاعران نیز با در نظرداشت نحوهٔ کاربرد زبان واستفاده از انواع صنایع بدیعی وبیانی از همدیگر متفاوت می شوند.

بسیاری از شاعران امروزه زبان خاص خود را دارند. به عقیدهٔ من امروز در میان شاعران کشورم هر شاعری دارای زبان خودش می باشد که در آن از کار برد اصطلاحات، سادگی، پیچیدگی، روانی و... استفاده می کنند. بگذریم. «درخط بی خاصیت زمان» فریدون ابراهیمی نیز با چنین یک عملکردی وارد دنیای شعر می شود که نشان دهد او تا اندازه یی به فشردگی زبان خود در شعر دست یافته است:

من در خوبی وبدی برخورد فریدون ابراهیمی بازبان کاری ندارم ولی بر آنم تا به پاره یی از ویژگی ها در این مجموعه اشاره کنم:

دموکراسی بدوشان
آمده
جیوهٔ آیینه را جراحی می کنند
«قطعه از ضمیر بلاتکلیف قرن»

آیینه می تواند ذهن شاعر واندیشهٔ پاک آدمهایی باشد که دربستر اجتماعی شاعر زندگی می کنند، تقلا می کنند ودست وپا می زنند تا بار زندگی را به سر منزل مقصود برسانند. خواننده می تواند تعابیر دیگری نیز در این خصوص پیدا کند وآن را همان گونه که می خواهد تعبیر کند.

در سه شعر اول آغاز دفتر شاعر چند بار مادرش را مخاطب قرار می دهد!(شاید وطنش را) وشما می توانید این سه قطعه را که با تاریخ های جداگانه وعناوین متفاوتی آمده است در کنار هم قرار بدهید واز آن یک شعر بلند بسازید، بی آن که در روح شعر تغییری وارد آید.

جالب است زبان وشیوهٔ نگارش وبافت کلمات و واژه ها طوری اند که به نظر من در ساختار شعر هیچ گونه لطمه یی وارد نمی کند.

خطاب شاعر به مادرش در شعرهای«انتحارگاه»، «من باخدا گره می خورم»، «من در تعهدم گرمتر می شوم»، «خطبهٔ نه»، «تاانقیاد لحظه ها» وشعرهای دیگر متواتر آمده است وچنین می نماید که شاعر شاید در یک لحظهٔ خاص زمانی، باذهنیتی یک سان وهمگون دست به سرایش این اشعار زده باشد،

مادر!
این«نه» حماسهٔ قرن من است
ومن این هجا را باتمام جوانی فریاد کشیدم
چندان که شانه های تاریخ تکان خورد
قطعهٔ خطبهٔ«نه»

در پارهٔ از شعرها«ابراهیمی» باسادگی، زبانی شیوا وعاطفی دارد، فشردگی ضمیمهٔ این سادگی. مخاطب را جذب می کند:

من در سنگر
خواهرم در مقابل ایینه
مادرم در آستانهٔ در
پیر شده ایم.
«قعطه القبای عشق فراموشم شده»

ابراهیمی اگر واژه مقابل را به«برابر» عوض می کرد، این بند چند برابر زیباتر می بود. هرچند با این تعبیری که خواهران ما در سالیان درد آلود ومحنت باری که بر ما رفت پیوسته در برابر«آیینه ها خمیده باشند وخود را با شانه ولبسرین مشغول داشته، موافق نیستم ولی این نکته که مادران ما سال های درازی را در«انتظار» در پشت درها مانده اند، حالت زار زن را در سال های توفان ومصیبت سرزمین ما خوبتر می رساند. از قطعات بلند این مجموعه که بگذریم در شعرهای کوتاه«ابراهیمی» زیبایی معنی وسنجیدگی بیشتری می یابیم:

خیناگر تبعیدی
سمفونی شستهٔ شب را
از سنگر اههٔ کبود لحظه ها
به هودج فردا
فریاد کشید.
قطعهٔ«انگارهٔ ماه»

در قطعهٔ«در دگریسی مضحک قرن»

در دگریسی مضحک قرن
لحظه ها باشنهٔ حس غریب زوال است
وعشق در شبیخونی کوچه های انزجار
از پاافتاده است.

و ده غزل های ابراهیمی در این دفتر نیز زیبایی دیگر دارند:

برآب وآیینه گفتم دلا گناه ترا
به روح پنجره پیوند دادم آه ترا
چوسنگ می شکند سرنوشت ایینه را
بگو کجا ببرم سینه! خانقاه ترا

«خانقاه سینه» تعبیر زیبا و تازه یی است.
در ادامهٔ این غزل می خوانم:

ستیغ وصخره ندارد غرور چشم ترا
وحرف حرف زبر کرده ام نگاه ترا

دوبیتی ها وترانه های این دفتر نیز از زیبایی خاصی برخوردارند:

تاعاقبت عمر بیاد اد بزن
با مشت به دیوارهٔ بیداد بزن
برخیز که ظلمت علم افراشت، دلا!
از حنجره پنجره فریاد بزن

●●●

افسانه شدیم، غصه، پایانت کو!
ای شهر شکسته ام بیابانت کو

دیریست عطش سوخته اندام علف
ای بادیهٔ کبود، بارانت کو.

من در یک دید کوتاه ومقایسه یی زود گذر از مجموعه های«نگاه وپنجره وماه» ومجموعهٔ حاضر تحولی ستودنی در کار فریدون ابراهیمی می بینم وانتظار دارم که شعر او در خط بی خاصیت زمان ما خاصیت وهویت تازه تر وروشن تری دریابد و او با استواری وپایداری جدی تری به پیش گام بردارد، تا آستانهٔ شگوفایی کامل. چنین باد.

لنډه کیسه
دکونډې ازار

ش-زیارمل

د کلي دخان ناظر نادر خان. دخپلي خور د ورکړي په باب دیوي معمولي شانته لانجني په ترځ کي دکلي یو منځکړي جرګه مار میرعطاء په ګولی وویشه.

هرچا به ویل: دامظلوم ئي په څه وواژه، دخان ناظر کبر اخیستي، بادار ئي هم کبر اخیستي خداي دي خیر کړي چي دوي ته به څه مخه پیښیږي.

حکومت ته داطلاع له رسیدو وروسته قاتل ونیول شو او دننګرهار ولایت جیل ته واستول شو، لږه موده لاتیره نه وه چي دکلي خان دقاتل دژغورلو له پاره هلي ځلي پیل کړي واسطي او وسیلي جوړي کړي، بډي او رشوتونه ئي ورکړل او خپل ناظر نادر خان ئي له بندنه راخلاص کړ.

واني له ازاره چا بازار مونډلي نه دي دمیرعطا کونډي چي واوریدل چي دمیړه قاتل ئي له وخت نه مخکي له بندنه خلاص شوي او دخان په بدرګه خپل کورته را روان دي دیو دوه پوړیز کور بام ته وختله. په داسي حال کي چي له خوږمن زړګي نه ئي داور بخرګي بادیدل دخان په لیدلو سره ئي لومړي په خپل ګریوان کي ګوتي واچولي، بیائي سترګي اسمانو ته ونیولي، په خیراوو ئي پیل وکړ: خانه، اي خانه. اي خاینه تاته وایم! ښځه دي زما په څیر کونډه شه. بچي دي زما په څیر بي سرپرسته شه. اسماني تندر درباندي پریوزه...

نه پوهیږم چي ددغي مظلومي کونډي په دغه راز چغو او فریادونو شرنه وژغوري.

هغه صحنه مي هم په خپلو سترګو ولیدله چي دقاتل پلار او مور دخان په پښو کي ورغړیدل دهغه لاسونه او ګیره ئي مچي کړل او دهغه دعمر دزیاتوالي دعاګاني ئي وکړي. خودخان اندامونه دکونډې ازار له املـه لکه دخزان پانه رپیدل. دځه کي څومره قوت پروت و، خلکو به ویل په خان کي یومن زړه دي، له هیچا او هیچ شي نه ډاریږي. زمري دي زمري! خو ومي لیدل چي له دردیدلي کونډې سره دمخامخ کیدو په ورځ خداي شته چي له دغه زمري نه ګیدړ جوړ شوي و ګیدړ! دکونډي له خیراو سره ئي څیره زیړه شوه. اندامونه ئي وریږدیدل، په خوله ئي دسکوت مهر ولګید، بیړه ئي کوله چي دخپل ناظر نادر خان بدرګه ژر پاي ته ورسوي او خان دکونډې له شربت له څښلو وروسته په بیړه له هغه ځایه ووت او دخپل کلي لاره ئي ونیوله. کونډه لاهماغسي دلوړ بام په سرناسته وه چي بیائي سترګي په خان ونښتي. خپل ګریوان ئي نور هم وریسي وشلاوه، په دوارو لاسونو ئي حمکه وریسي وټپوله سترګي ئي بیا اسمانونوته ونیولي او خوله ئي وریسي خلاصه کړه: خانه میرمن دي زما په څیر کونډه شه. خپله بي انصافي دي خپلي مخي ته ودریږه. بچي دي بي سرپرسته شه.

:کلي خان دکونډې دخیراو په بیابیا اوریدو سره خپلو ورسره کسانوته په الوتي څیري وویل: ښځه ده، اخیر له ښځي سره به سړي څه ووائي!؟ پریږدئ چي وه وییږي او خان ستړي کړي. دخان دوارخطائي ستره علامه بیا داوه چي دمسپین پاچ پټکي ئي له سره لاندي راوخوټید او شمله ئي خاوروته ورسیده. داسي معلومیده چي ویره ئي شیبه په شیبه په زړه غلبه کوي او دکونډي په وړاندي خپله کمزوري احساسوي.

خان له خپلو ورسره کسانو سره یوځاي خپلي دیري ته خان ورساوه او لږڅه دامن او ارامش احساس ئي وکړ، خو کله چي کورته لاړ او له خپلو نازولو بچیانو سره جرګي ته کیښناست نو لومړي ئي دخپلي سترییا تنده دلاچي داره شنو چایو په څښلو سره ماته کړه او بیا دمانبام له ډوډۍ وروسته دخپل استراحت خوني ته لاړ چي ارام وکړي او ویده شي، په خوب کي ئي هم دمظلومي کونډي اوازونه اوریدل چي دد ته څیرمه دبام په سر ولاړه او وائي.

خانه! میرمن دي کونډه شه، بچي دي بي سرپرسته شه. خانه! دکبر کاسه دي نسکوره شه، چي زما دغریبی ژوند دي تالاترغي کړ خداي دي ستا خاني تالاترغي کړي.

خان به ددغه راز اوازونو په اوریدو سره تل نیغ په کټ کي کیښناست او خپله کلیمه به ئي تکراروله. توبه به ئي ایستله خو داسي معلومیده چي دتوبي دقبلیدلو چانس ئي هم له لاسه ورکړي وي. دهغه ټول احساس دکونډې دخیراو یرغمل و په شپو شپو به خوب نه ورتله او چي ویده به شو، دکونډې هیبتناکه فریادونه او څیره به ئي په خوب کي لیدله نه پوهیده چي څه وکړي او په څه ډول له دغه روحي عذاب څخه ځان وژغوري

په ریښتیا چي له ازاره چا بازار مونډلي نه دي، داسي

۷ مخ

در حاشیهٔ سال تعلیمی جدید

آماده کردن کودک برای ورود به مکتب

سیدناصر تقدسی



با آغاز سال تعلیمی جدید وبازگشت کودکان به مدارس ومکاتب، اکثر خانواده ها بابرخی مشکلات وسختی ها روبــاروی خواهند شد، به ویژه اگر درمیان کودکان آنها کودکی تازه وارد وجدید الشمول وجود داشته باشد. بزرگ ترین چالشی که فرا روی مادران قرار خواهد داشت این است که آنان چگونه می توانند برای نخستین بار زمینه های قناعت کودک خود را برای ورود به مکتب فراهم بسازند.

راستی در آغازین روزهای سال تعلیمی جدید، زمانی که طفل ورود به مدرسه ومکتب را قاطعانه رد می کند وبرای این که از مادر جدا نشود به گریه می افتد و ضجه می کشد، بدون شک مادر بانوعی سرگیجی مواجه می شود. این سناریو بیشتر در مقابل دروازه های مکاتب اتفاق می افتد وروزانه چند بار تکرار می گردد، وقهرمان این نمایش بیشترینه کودکانی می باشند که تازه راهی مکتب می شوند. این موضوع گاهی به مثابهٔ یک مشکل روانی برای کودک بار می آید که روان کاوان آن را «وبای مدرسه» یا به سختی دیگر هراس سنگین از مکتب و دوری از مادر تعبیر کرده اند. دانشمندان روانی به منظور پیشگیری از این معضل، لازم دانسته اند تا کودک برای ورود به محیط خارج از منزل که مکتب ومدرسه باشد، از لحاظ روانی وجسمی آماده گردد. واین مسؤولیت در قدم نخست به دوش پدر ومادر است، البته نقش مادر در این باره بارزتر ومهم تر می باشد. حال به تذکار برخی از نکته ها واندرزهایی پرداخته می شود که مادر را در راستای توجیه درست کودکش برای رفتن به آموزشگاه یاری می کند.

اول

چند روز ویا چند هفته پیش از رفتن کودک به مکتب، مادر وپدر بایستی در جریان صحبت های خود، از مزایا وخوبی های مکتب چیزی بگویند وبه او تلقین کنند که آموزشگاه ومدرسه نه تنها جایی برای فراگیری دروس وادای کارهای آموزشی بلکه محل خوبی برای پیدا نمودن دوستان وآشنایان است؛ دوستانی که باوی در هرکار به خصوص در سرگرمی ها وبازی های

> **چه آموزنده وزیبا است که مادر عزیز خاطرات شیرین ودلچسپ دوران مکتب وخوبی های آن را به طفلش باز گوید.**

تفریحی مشارکت می کنند.

چه آموزنده وزیبا است که مادر عزیز خاطرات شیرین ودلچسپ دوران مکتب وخوبی های آن را به طفلش باز گوید واز سفرهای علمی وتفریحی خود به اماکن خوب وقشنگ در روزگار شاگردی اش داستان هایی شنیدنی بسازد، واز برادران بزرگش که در اثر کوشش وتلاش انسانی در فضای باز مدرسه ومکتب به مدارج رفیع علمی نایل آمده اند حکایت کند، تا از این راه زمینه های گرایش طفل به مکتب وفراگیری دانش مساعد شود.

دوم

مادر وپدر به کودک خود نباید بگویند که مکتب ومدرسه وسیله یی است برای رهایی خانواده از مزاحمت طفل، وهمچنان اگر کودک اندیشهٔ رفتن به مکتب را نمی پذیرد نباید مورد لت وکوب وتهدید قرار بگیرد؛ تا در کودک برداشتی نادرست وسوء ایجاد نشود که گویا مکتب ومدرسه نوعی سرزنش وشکنجه است، وچنین تلقی در ذهن او، از مکتب تصویری بازگونه می کشد ومنجر به هراس وی از رفتن به مکتب وجدایی از آغوش پرعطوفت مادر ومحیط آرام ومحبت آمیز خانواده می گردد.

سوم

کودک باید پیش از رفتن به مکتب، در تناول آب ونان، پوشیدن لباس وقضای حاجت برمبنای اعتماد به نفس عادت داده شود، وبرای او فرصت باید داد تا در گزینش سامان آلات واشیای مورد ضرورت مکتب مانند کتاب، قلم، کتابچه، بکس دستی ورنگه های رسامی، با پدر، مادر ویا برادر بزرگ خود مشارکت نماید، واگر چنین کودکی را پدر ومادر قبل از آغاز سال تعلیمی به جهت اخذ کتب وثبت نام باخود به مکتب ببرند، میان وی ومکتب نوعی روابط وانس ایجاد خواهد شد، و در هنگام رفتن به مکتب وجلوس در کلاس درسی، احساس ناآشنایی ودل تنگی نخواهد کرد.

چارم

برای کودکان تازه وارد به مکتب، داشتن مقداری از مواد خوراکی وآب ودیگر اشیای مورد نیاز، از ضرورت های عاجل ومبرم پنداشته می شود، لذا والدین گرامی مواد مورد ضرورت طفل را باید آماده کنند واو را تشویق نمایند تا اشیای متذکره را در بکس مکتب باخود داشته باشد. ولی تا آخرین حد ممکن کوشش شود که غذاهای مورد نظر، برحسب سن وسال ونیازهای جسمی کودک تهیه دیده شود. وافزون بر آن به خاطر جلوگیری از یک نواختی طعام خانگی ورفع خستگی طفل، اولیای گرامی بایستی به کودکان خود روزانه یک مقدار پول نقد به عنوان جیب خرچ بپردازند به شرطی که به آنها توصیه نمایند تا پول جیب خرچ را صرف خریداری اشیای غیر ضروری ورفتن به سالن های سرگرم کننده نکنند.

پنجم

برای کودک باید جایی مناسب به غرض اجرای کار خانگی وتکرار دروس در نظر گرفته شود، جایی که از روشنایی خوب وزیبایی نسبی برخوردار باشد، ودر بقای طفل

> **در صورتی که طفل بنا براسباب وعواملی نتایج مطلوب از درس را به دست نمی آورد، نباید مورد تهدید وسرزنش قرار گیرد، بلکه دلایل وعوامل عقب مانی وی در درس بایستی ریشه یابی شود، وبه معالجهٔ آن اقدام گردد.**

برای مدتی معین به هدف مطالعه وانجام وظایف درسی، مؤثر واقع گردد.

ششم

کارخانگی و وظایف درسی بیرون از مکتب، یکی از اساسات مهم آموزش است. از این رو اولیای محترم متوجه باشند که کودکان شان، خود کارهای خانگی خویش را در وقت معین آن انجام دهند. پدر، مادر ودیگر اعضای خانواده در جریان اجرای وظایف خانگی کودک، در پهلوی وی نشینند، واگر می نشینند فقط حیثیت ناظر و در صورت ضرورت حیثیت مشاور را داشته باشند به طفل هدایت مستقیم در جهت ادای وظیفه اش ندهند وچنین کاری برای کودک باعث اعتماد به نفس و خود باوری می گردد واز دنباله روی وباردوش بودن وی جلو می گیرد.

هفتم

برای کودک باید اجازه داد تا به منظور رفع خستگی واز سرگیری نشاط، بعد از عودت از مکتب، وهمچنان پس از فراغت از کار خانگی دقایقی به استراحت برود در این زمینه برای وی آزادی کامل داده شود تا به هرگونه یی که دلش می خواهد به تجدید نشاط ورفع خستگی بپردازد؛ فرقی نمی کند که این کار را، از راه مشاهدهٔ برنامه های خوب وسازندهٔ تلویزیون انجام می دهد و یا از طریق بازی وساعت تیری باهمسالان ورفقای خود، ویا هم از هر راه دیگری که در ساختار شخصیت او تأثیر مثبت داشته باشد.

هشتم

گاه ناگاه باید برای تشویق کودک به درس، هدیه یی ولو سمبولیک به وی پیشکش کرد، به ویژه زمانی که پیشرفتی در درس برایش دست می دهد ودر جاتی رضایت بخش در امتحان کسب می نماید، این هدایا را می توان باخریدن لباس وسامان بازی ویا از طریق بردن طفل به تفریح گاه ومسافرت به بیرون شهر به او تقدیم نمود. البته مانعی نیست که به مناسبت کامیابی طفل وتفوق وی در درس، محفلی در چهارچوب خانه دایر شود ودر آن دوستان وآشنایان کودک مورد نظر، دعوت گردند.

در صورتی که طفل بنا براسباب وعواملی نتایج مطلوب از درس را به دست نمی آورد، نباید مورد تهدید وسرزنش قرار گیرد، بلکه دلایل وعوامل عقب مانی وی در درس بایستی ریشه یابی شود، وبه معالجهٔ آن اقدام گردد.

نهم

کودک نباید به خاطر نوشتن، تکرار دروس واجرای کارخانگی، برای مدتی طولانی به نشستن در جایی معین وا داشته شود، چه غالباً کودکان تاسن هفت سالگی وحتی بالاتر از آن توانایی نشستن بیش از ده دقیقه برای نوشتن وخواندن را به طور متواتر ندارند. بناءً نشاط وحرکت آنان بعد از هرچند دقیقه نوشتن وخواندن باید از سرگرفته شود.

دهم

در روز اول سال تعلیمی غالباً مدارس ومکاتب با برنامه های جالب ترفیهی آغاز می یابد، واین برنامه ها در فضای صمیمیت، دوستی وآرامش برگزار می گردد تا از ذهن واندیشهٔ کودکان جدید الورود، ترس وهراس مکتب و معلم را بشوید ودر ضمیر وروان آنان خاطره یی خوب وفراموش ناشدنی برجای بگذارد وموجب تشویق ایشان برای آمدن به مکتب گردد.

در چنین روز اگر یکی از والدین ویاهردوی ایشان همراه باکودک شان به مکتب بروند ودر تمام برنامه ها در کنار طفل خود حضور داشته باشند، از هرلحاظ مؤثر خواهد بود، وکودک حس خواهد کرد که مکتب نه تنها جای فراگیری دانش وادب که جای خوبی برای به راه اندازی مسابقات وپروگرام های تفریحی وبر روی هم مکانی برای آشنایی بادیگر کودکان نیز می باشد.

په هرات کی داندیښنی او خواشینی وړ پیښه

دهرات ولایت وروستی پیښبی چی دهغی په ترخ کی دهیواد دیو ستر جهادی شخصیت، داسلام دمعتقداتو دمدافع او په هیواد او هراتیانو مین شخصیت اسماعیل خان زوی، دهغه ملګری او ګن شمیر پوځی او ملکی وګړی په شهادت ورسیدل، دافغانستان د دیندارو او مجاهدو خلکو دزیاتی اندیښنی اسباب برابر کړل او داسی فکر کیږی چی ددغه راز الو ګولو پیدا کول څه تصادفی کار نه دی بلکی دا دیو شمیر هغو کسانو کار دی چی نه غواړی په هیواد کی دجهاد ستر ارزښتونه پلی شی، داسی نظام، حاکمیت پیدا کړی چی هغه واقعاً په اسلامی- انسانی او حقوقی ښستونو ولاړ او دخپل ماهیت او اصالت له مخی په ټولنه کی له هرډول سیاسی .ټولنیزو فسادونو سره مبارزه وکړی او دهر ډول جنایتونو، غیر اسلامی کړنو. فحشا او سیکلر خوځښتونو مخه ډپ کړی

موږ دبن له موافقی وروسته په خپل هیواد کی ولیدل چی دهرات والی اسماعیل خان په هیواد کی دیو قانونی نظم په راوستلو کی دانتقالی اسلامی دولت له ژباترو پروګرامونو سره ملاتړ ښودلی او هرهغه پلان او برنامه چی دهیواد دخلکو دسوکالی او ترقی لامل ګرځی دوی نی تنګه او ملاتړ کړی او دانتقالی دولت سره نی د دوه اړخیز تفاهم له مخی خپلی همکاری ته دوام ورکړی او هم نی دګمرکونو عواید او یا دنورو کورنیو اقتصادی سرچینو عایدات دهغه ولایت په بیا رغاونه لګولی او ددغه

پامیر

ښار جنګ وهلی او وروسته پاتی ښه ئی ترزیاتی اندازی ښکلی کړی چی ان د دولتی رسنیو لوړ پوړیو چارواکیو هم دهغه دهیواد پالنی تعمیری سیاست ستایلی او اعتراف ئی پری کړی دی.

همدارنګه دهرات ولایت په تیرو دوه نیمو کالو کی دسولی او امن یوه نمونه وه، د ورانکاری هغه فعالیتونه چی په نورو ولایتونو کی ترسره کیږی هغه په دغه ښار کی نه ترسترګو کیدل او نه ئی ترهګرو او تروریستانو ته داوخت ورکړی چی په هرات

موږ هیله من یوو چی دشهید میرویس صادق او نورو سلګونو بی ګناه ښاریانو دقتل او وژنی عاملین ډیر ژر دعدالت منګولو ته وسپارل شی

کی ویره او ډار واچوی او یا ددولت په وړاندی په تخریبی فعالیتونو لاس پوری کړی او دهیواد لویدیځه پوله هم دختیځو او جنوبی پولو په څیر نا ارام او ګړکیچنه کړی

دغه راز محترم اسماعیل خان له مرکزی دولت سره په تفاهم له پوځی دګر نه هم خان ګوښه کړ او یواځی د ولایت دبیا رغاونی او دخلکو دستونزو دله مینځه وړلو له پاره ئی دیو مجرب سپین ږیری او خواخوږی په توګه دهغه ولایت د والی دندی ته دوام ورکړ چی دهغه ځای دمسلمانو او په اسلامیت مینو کسانو دبشپړه تائید او ملاتړ وړ دی.

وروستی بهیر دااثابته کړه چی اسماعیل خان په ریښتینی توګه دهرات ولایت دخلکو د درناوی وړ دی او خلک تری دخپل سر په ښندلو سره دفاع کوی. موږ ولیدل چی دهغه دزوی میرویس صادق له شهادت وروسته ډیر ژر دجنایتکارو ګریوان دهغه دپلویانو له خوا ونیول شو او دپیښی عاملین یا دخپل عمل په سزا ورسیدل او یا خو وتښتیدل.

موږ هیله من یوو چی دشهید میرویس صادق او نورو سلګونو بی ګناه ښاریانو دقتل او وژنی عاملین ډیر ژر دعدالت منګولو ته وسپارل شی او هغه عناصر چی ددغی پیښی ترشائی لاس درلود خلکوته ور وپیژندل شی او په راتلونکی کی دافغانستان دخلکو، داسلامیت، انسانیت او زمونږ دملی وحدت دښمنانو ته دااثابته شی چی ملی جهادی شخصیتونه دخلکو دمعتقداتو مدافعین او داسلام دمقدس دین دماتنی سرښندونکی دخلکو له پراخه ملاتړ څخه برخمن دی. خلک په هیڅکله زمونږ دخپلواکی، او ملی وحدت ددښمنانو په وړاندی بی توپیره پاتی نشی او تل به ددغه راز ملی جهادی شخصیتونو دسپارښتو او اوامرو په رڼا کی دخپل دښمن په وړاندی یو موټی او یو قوت وی

پیام احمد ولی مسعود رئیس بنیاد شهید ...

اجتماع خود به سوی ترقی وتکامل داشته باشیم مهم این نیست که چه می شود، بلکه چه را خواستن، چگونه توانستن وچه کردن معیار می باشد.

با پیروی از یک طرز فکر درست برای احراز شخصیت عالی ونیرومند وانسانی وبرخورداری از مزایای یک زندگی شرافت مندانه وآبرومند تلاش می کنیم تا جامعه را خوشبخت کنیم، زیرا جامعه باید خوشبخت باشد تا انسان بتواند خود را باافتخار متعلق به یک اجتماع بداند، رشد سیاسی مستلزم ایجاد ونهادمند ساختن مصالح همگانی است.

به یاد داشته باشیم که انتخاب امروز وعملکرد امروز نه تنها در سرنوشت کسانی که در عصر کنونی با ما زندگی می کنند تاثیر گذار است، بلکه آیندهٔ نسل های بعدی را نیز رقم خواهد زد. بخشی از مسؤولیت آن تصویری که در آینده شکل می گیرد به عهدهٔ ماست. ماگذشتگان را پدران ومادران خود می دانیم ونسل بعدی هم همین تعریف را نسبت به ما خواهد داشت، پس در برابر ناهنجاری های جامعه تمکین نمی کنیم، بلکه راه نجات و رهایی را شجاعانه می گشاییم وبا توجه به شرایط عینی جامعه از پیمودن این مسیر دشوار نمی هراسیم. دست انسان های پالوده، قلب های پذیرنده وصبور وذهن های باز را به یاری می طلبیم وبرای گسترش وفراگیری یک حرکت نوین اجتماع وگشودن افقی به گستره یی منافع واقعی وملموس همهٔ مردم، آمادگی خویش را اعلان می کنیم.

این همه امید وهمهٔ تلاشی است که درحد خودمان، هرچند اندک، در جستجویش هستیم.

بیایید با نوین ترین سلاح منطق وحکمت وادب ورسالت زندگی برای هدایت اجتماع پیشگام شویم وهمچون روح پرتکان وحلاقی، نیرومند ترین کالبد تمدن واجتماع وزمان خویش را حیات وحرکت بخشیم.

آرزومندم سال نو، سال تحقق همهٔ آرزوهای بزرگ هموطنان عزیزم باشد، در پناه حق موفق وسربلند باشید. خداوند این آزادی ورهایی را برای ما جاودانه سازد ودر این راستا در تحقق این آرمان های مقدس در صفحهٔ جدید کشور همهٔ ما را موفق وکامگار گرداند.

با احترام
احمد ولی مسعود
رئیس عمومی بنیاد شهید
احمدشاه مسعود

سال تعلیمی جدید با شعار ...

امروز پدیده های منفی، ازتآثیرات ونتایج جنگ در افغانستان به میان آمده وبه عنوان چلینج های اساسی در برابر دولت قرار دارد. نخستین پیامد منفی،بحران هویت در افغانستان است.

ما به جای گرایش به قوم وگروه به عنوان یک ملت واحدباید صاحب یک سرزمین واحد به نام افغانستان شویم.معارف نوین دیگر در مکاتب افکار نا به سامان و خلاف منافع ملی در افغانستان را القا نخواهد کرد.امروز معارف افغانستان تصمیم دارد که همهٔ مظاهر منفی ازبنیاد ریشه کن شود. نسل نوافغانستان باتفکرنو در آغوش معارف نوین افغانستان تربیت شوند. امید وار هستیم که سال آیندهٔما، سال انکشاف بیشتر در عرصهٔ معارف باشد.

دراین محفل آقای خلیل زاد سفیر امریکا نیز سخنرانی نمود و گفت:

در سال جدید۱۵۲باب مکتب تاسیس و۲۵۵ مکتب دیگر را ترمیم مجددخواهیم نمود.قدم های دیگر ماتربیه نمودن۱۶ هزار معلم وچاپ نمودن شانزده هزار جلد کتاب می باشدودر حدودسه میلیون کتاب دیگردر داخل افغانستان به چاپ برسد.

چون کمک های امریکا تا فعلاً متوجه مکاتب ابتدایی بوده است، امسال درقسمت مکاتب عالی ولیلیه ها توجه می نماییم و در قسمت پوهنتون نیز قدم بزرگی بر خواهیم داشت.لیلیهٔ دختران را که دارای ۲۵۰ اتاق وگنجایش ده هزار نفر است بنا خواهیم نمود ویک پوهنتون امریکایی در کابل افتتاح خواهیم کردوخانم بوش نیز ممد تشکیل مکتب بین المللی در کابل می باشد.

درمراسم، نمایندهٔ سازمان ملل متحد در امور افغانستان، نمایندهٔ یوسف وسفیر کشور جاپان نیز سخنرانی نمودند. در اخیر به سه تن ازشاگردان ممتاز کشور جوایزی ازطرف وزارت معارف داده شد.

خاطرات سفر قندهار ...

پنج نفر به جرم اعتیاد به چرس دستگیر شده اند که از پنج ماه تا یکنیم سال است که در زندان به سر می برند. یکی از آنان هنگام صحبت با من به وضوح نشه بود که نشان می داد در داخل زندان نیز به چرس دسترسی دارد. در ذهن من این سوال نقش بست که اعتیاد را باید جرم به شمار آورد یا مریضی؟ اگر اعتیاد جرم هم به شمار آید یکنیم سال زندان مجازات بسیار ظالمانه برای چنین جرم است هر چند که معلوم نیست آنها چه مدت دیگر در زندان باقی خواهند ماند.

همهٔ زندانیان می گفتند که دلیل زندانی شدن ما نداشتن پول است. در میان ما کسی که پولدار باشد دیده نمی شود زیرا با پول می توان گنهکار را بی گناه ثابت کرد و هر بی گناه بی پول گنهکار است.

نثار احمد یکی از زندانیان می گفت که مرا به جرم قتل کسی گرفته اند که به سکتهٔ قلبی فوت کرده و تصدیق دکتر در گواهی فوت وی موجود است. دیگری می گفت که من عسکر بودم و در محل نزدیک به نیرو های آیساف پهره می دادم. بعد از این که پهره را به عسکر بعدی سپردم یک ماین در آن محل منفجر شد. نیرو های آیساف بعد از تحقیق مرا بی گناه دانستند و رها کردند اما پولیس مرا دستگیر کرد و از چندین ماه به این طرف زندانی بی سرنوشت هستم.

همهٔ زندانیان از ظلم سارنوال شاکی بودند و سارنوال ما را در داخل زندان همراهی نکرد. او می دانست که اگر وارد زندان شود زنده برنخواهد گشت اما رئیس مرافعهٔ قندهار با ما بود و با زندانیان بدون این که مشکلی داشته باشد صحبت می کرد.

اما دردناک تر از همه وضع زندان زنانهٔ این شهر بود. در زندان زنانه دو زندانی و ۱۳ محبوس توقیفی وجود داشت. ما فقط اندکی از آن عده را دیدیم. کسانی که نظر به فرمان رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان مدتها قبل مشمول عفو قرار گرفته بودند و باید آزاد می شدند نه تنها خود زندانی بودند بلکه اطفال شان نیز در زندان با آنها یکجا به سر می بردند.

در موردچند زن جوان گفته شد که آنها آزاد شده اند. من به این باورم که آنها را از ما مخفی کردند اما یک زن داستان دردناکی را حکایت کرد. بشنوید!

او گفت که در دوران طالبان یک جنگجوی طالب مرا از یک روستا در شمال کابل اسیر کرد و به قندهار آورد. پس از سقوط و فرار طالبان من به مقامات امنیتی مراجعه کردم و ماجرای خودم را به آنها گفتم تا مرا به خانه ام بفرستند اما برعکس آنها برمن تهمت زنا بستند و برایم دوسیه ترتیب دادند و زندانی شدم. از آن روز به بعد هر باری که مرا برای بازجویی برده اند با من زنا صورت گرفته است که ثمرهٔ آن دو طفل است که هردو در زندان به دنیا آمده اند.

با شنیدن چنین داستان هایی باید دلی از سنگ داشت تا اشک نریخت اما سنگدلان کم نیستند. از سارنوال قندهار دلیل توقیف غیر قانونی این زندانیان را پرسیدیم او گفت که این افراد ضامن حاضر کرده نمی توانند و اگر ما آنها را رها کنیم دیگر نمی توانیم پیدایشان کنیم! دلیلی که صراحت فرمان رئیس دولت نیز در برابر آن ناتوان است!

من گمان می کردم که این ظلم و فجایع از دید بزرگان مستور مانده و به همین دلیل تاکنون بر ضد آن اقدامی صورت نگرفته است اما در دیدار با احمد ولی کرزی از زبان او هم در مورد زندان قندهار مطالبی شنیدیم از جمله در مورد یک زن کوچی که طفل او نیز در زندان جان سپرده است. چرا باید همچنان بی تفاوت بود؟ به یاد صدها مؤسسهٔ قد و نیم قد با ادعا های پر طمطراق دفاع از حقوق بشر و حقوق زن افتادم و از زندانیان پرسیدم که آیا از جانب سازمان های مدافع حقوق بشر کسی از این زندان دیدار کرده است؟ یکی از زندانیان گفت که آنها برای تهیهٔ گزارش آمدند ولی اقدام دیگری نکردند.

زندان را با دل پر درد و دست های پر از عرایض زندانیان ترک کردیم. با رئیس محکمهٔ مرافعهٔ ولایت قندهار در مورد مشکلات محاکم این ولایت صحبت کردیم. او می گفت مشکل بزرگ ما نداشتن قاضی است. با این معاش ناچیز، قضات حاضر به کار در این ولایت نیستند. به همین دلیل دوسیه ها برای ماههای طولانی بدون فیصله باقی می ماند. تا دولت چارهٔ اساسی برای حل معضل اقتصادی قضات نیندیشد، مشکلات حل نخواهد شد. این مشکل تنها در قندهار نیست. در ولایت زابل بیش از یک هزار دوسیه بدون فیصله روی هم تراکم کرده است.

من بی اختیار به یاد یک مقولهٔ عربی افتادم: «الملک یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم» یک نظام با کفر برقرار می ماند ولی با ظلم پایدار نخواهد ماند....

ژورنالیستان کنفرانس ...

حامد کرزی، رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان قرار بود قبل از سفر به دولت جمهوری فدرال آلمان واشتراک در اجلاس بین المللی برلین، در یک نشست خبری باخبرنگاران داخلی وخارجی، اهداف سفرخود ومسایل حاد کشور را تشریح کند.

اما رفتار نامناسب محافظان امنیتی، سبب تحریم نشست خبری رئیس دولت افغانستان از سوی خبرنگاران گردید.

قبل از این نیز تعدادی زیاد از خبرنگاران نسبت به رویهٔ نادرست مقامات امنیتی کاخ ریاست جمهوری با ژورنالیستان، اعتراض داشتند.

خبرنگار رادیو آزادی می گوید: یکی از عواملی که منجر به برخورد بی رویهٔ نیروهای امنیتی باخبرنگاران در داخل کاخ ریاست جمهوری می شود، تأخیر بیش از حد حامد کرزی، در آمدن به محل کنفرانس است. چنان چه در اکثریت نشست های خبری، گزارشگران مجبور اند از صبح الی حوالی بعد از ظهر در محوطهٔ کاخ ریاست جمهوری در انتظار تدویر کنفرانس خبری بمانند.

تابه حال خبرنگاران، درمقابل این شرایط، واکنشی از خود نشان نداده بودند. اما رفتار توهین آمیز محافظان امنیتی سبب گردید که برای اولین بار نشست خبری رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان، در آستانهٔ یک سفر مهم خارجی باتحریم نمایندگان رسانه های داخلی وبین المللی مواجه گردد.

گزارشگر کوهستانی

پیام استاد ربانی ...

شهادت وزیر هوانوردی دولت انتقالی اسلامی افغانستان و یاران او و سوء قصد به جان امیر اسماعیل خان فرماندهٔ نام دار جهاد، برهم زدن وضع امنیت در شهر وولایت هرات وبروز درگیری و کشته شدن چندین تن در پی آن ، حادثه یی بس المناک و فاجعه آمیز است که به جایگاه دولت و آرزو های مردم و امنیت کشور نه تنها در سطح این ولایت که در سطح همهٔ افغانستان، لطمه یی محکم می زند .

آشکار است که هرات پس از سقوط رژیم طالبان و تحول نوین در کشور به همت و تدبیر امیر اسماعیل خان و دلسوزی و توانمندی او، در این مدت کوتاه با دستاوردهایی درخشان در پهلو های گونه گون زندگی در عرصهٔ بازسازی و نوسازی، گوی سبقت ربوده است.

درخشندگی این دستاوردها به گونه یی است که نه تنها دوستان که بدخواهان و حسودان نیز نمی توانند از آن چشم پوشند ، با این وصف همواره هرات و رهبری آن هدف موجی از تبلیغات بدخواهانه از سوی افراد و گروه های معلوم الحال، و برخی از رسانه های خبری و برخی از افراد بوده است. به باور ما این فعل و انفعال ها، همه در به میان آمدن حادثهٔ دردآلود روز یک شنبه نقش دارد .

من ضمن این که شهادت میرویس صادق وزیر هوانوردی، فرزند برومند جناب امیر اسماعیل خان و یاران او وهمهٔ قربانیان این حادثه را به شخص امیر اسماعیل خان و خانواده های این شهیدان و مردم شریف و سربلند هرات شهر شهدا و همهٔ ملت نجیب و داغدار و دولت انتقالی اسلامی افغانستان تسلیت می گویم، این حادثهٔ تروریستی و جنایتبار را محکوم می کنم و از دولت مجدانه می خواهم که در برملاساختن دسیسه ها و عاملان این حادثهٔ امنیت سوز و ویرانگر درنگ نورزد ، زیرا که اندکترین سهل انگاری در پی گیری و مجازات عاملان آن موجب گسترش بی باوری مردم در کارآ بودن دولت می گردد و موجی از بی امنی را در سراسر کشور به دنبال می آورد که بی تردید هم برای دولت و هم برای مردم بسیار ناگوار خواهد بود .

همچنان از جامعهٔ جهانی ، سازمان ملل متحد و نیروهای بین المللی در افغانستان می خواهم که در این حادثه خود به تحقیق و پی گیری بپردازند و از هرگونه پیش داوری هایی مبتنی برنگرش های غرض آلود در این زمینه اجتناب ورزند.

در اخیر یکبار دیگر مراتب تسلیت و اندوه خویش را در رابطه با شهادت این عزیزان و وقوع این فاجعه ابراز می دارم و از خداوند متعال برای آنان بهشت برین و به خانواده ها و بازماندگان شان صبر جمیل می طلبم . **إنالله و إنا إلیه راجعون**

برهان الدین ربانی

پیام جمعیت اسلامی افغانستان...

از طرف دیگر ترور شیخ احمدیاسین نه تنها -برخلاف آنچه اریل شارون می پندارد- گامی در راهی صلح وثبات در منطقه نمی باشد بل ضربه یی است بر برقراری صلح وثبات در این منطقهٔ طوفانی وبحران زده.

جای بس تأسف است که عاملان این جنایت ضد انسانی وترور از طریق آریل شارون صدر اعظم اسرائیل مورد تقدیر ونوازش قرار گرفتند و او بابی شرمی ادامهٔ همچو جنایات ضدانسانی را خواهان شد.

جمعیت اسلامی افغانستان به این باور است که ادامهٔ چنین سیاست تروریستی وضدانسانی جز این که دامنهٔ بی ثباتی وبحران در منطقه را گسترده ترسازد سودی دیگر حتی برای عاملان آن نخواهد بخشید.

ما از ملل متحد وسازمان های بین المللی خواهان آنیم که بیشتر از این نگذارند که به سرنوشت میثاق های بین المللی وفیصله های ملل متحد توسط نیروهای اسرائیل بازی صورت بگیرد.

در غیر آن ادامهٔ چنین جنایات باعث بحران ها در منطقه خواهد گردید وآتش آن را بیش از پیش شعله ور تر خواهد کرد.

ما در حالی که به روح پیشوای شهید فلسطین که نماد مظلومیت وانسانیت و الگوی دفاع از دین و وطن بود درود وتهنیت می فرستیم، از بارگاه خداوند برایش علو درجات وفردوس برین تمنا می کنیم.

ومن الله التوفیق

دکونډې . . .

معلومیده چې دکونډې خیراو یواځې دخان دغوړونو پردې نه وې څیرلې بلکې عرش عظیم ئې هم لړزولې وې، نوځکه خو دخداي قهرنازل شو. دخان خانې دنظام تخته په بل مخ واوښته وچ او لانده یول سره وسوځیدل. دمظلومې کونډې له اوښکونه توپانونه جوړ شول. دهغې خیراو تانکونه او توپونه وزیړول او په نیمه شپه دخان دسترې کلا دروازې ته ودریدل خان چې لاله دې مخکې دکونډې په خیراو له خوبه راپاڅیدلې و. دچاینداره ټانک په درانه او هیبتناکه غرهار او ورسره لړ وروسته دخپلې دروازې په نابېره ټک ټک ئې ټکان وخوړ، زړه ئې نارامه شو. په دې پوه شو چې کونډه ئې نور نه پرېږدي، دکونډې ازارئې نورنه پرېږدي، دمیرعطا دشهادت پاکه وینه ئې نورنه پرېږدي. دهغه بې سرپرسته ماشومان ئې نورنه پرېږدي، او هغه څه ئې چې کرلې اوس به ئې ریبي.

هوکې! په هماغه توره شپه ئې په تورټانک کې داسې ځاي ته یوړ چې ترڅن پورې ئې دمړې یا ژوندې پته ونه لګیده، ښځه ئې کونډه او ماشومان ئې بې سرپرسته شول. داسې اټکل کیږي چې په ټانک کې له سپریدو وروسته به ئې بیا هم دمظلومې کونډې خیراو په غوږونو کې ازانګې کولې چې ویل به ئې خانه! بچیان دې بې سرپرسته شه. اسماني تندر دربانډې راولویږه. مړې او ژوندې دې ډوب شه

کرد ګلو کړه چې سیمه دې ګلزار شي
اغزي مه کره چې پښو کې به دې لاړ شي

ته چې بل په غشو ولې هسې بویه
چې همداغشي به ستا په لور ګوزار شي
کوهي مه کنه دبل سري په لاز کې
چیري ستا به دکوهي په غاړه لاړشي
بنیادم په مانا واړه یو صورت دي
هرچي بل ازاروي هغه ازار شي

●●●

شهادت شیخ احمدیاسین ...

فشردهٔ زندگی نامهٔ شیخ احمد یاسین

وی به سال۱۹۳۸در قلمرو فلسطین تولد شد و رویدادها ورفتار حکومت بریتانیا وکمک آن کشور وامریکا در تشکیل حکومت اسرائیل وآنگاه شکست کشورهای عربی در برابر اسرائیل برشکل گیری دیدگاه سیاسی احمدیاسین تأثیر عمیق گذاشت.

احمدیاسین که براثر حادثهٔ ترافیکی در جوانی گرفتار فلج دست وپا گردید شامل دانشگاه ازهر خواستگاه ومحل ظهور جنبش اخوان المسلمین شد. در جریان تحصیل تعهد سپرد که جهت آزادی سرزمین اشغال شدهٔ فلسطین مبارزه نماید او به اخوان المسلمین فلسطین پیوست وبه مبارزات سیاسی خویش در تنظیم وتشکیل حماس فعالیت مداوم نمود تا آن که توانست انتفاضه را در سال ۱۹۸۷ سازماندهی نماید. درهمین سال حرکت مقاومت اسلامی «حماس» در سراسر فلسطین وخارج آن شهرت پیدا کرده وفعالیت های آن افزون گردید.

در پی افزایش فعالیت های حماس رهبران حکومت اسرائیل شیخ احمدیاسین را به اتهام قتل فلسطینیان اجیر اسرائیل در سال۱۹۸۹ گرفتار ومحکوم به حبس ابد کرد.

شیخ احمدیاسین در ازای آزادی دو جاسوس اسرائیلی که درپی اقدام نافرجام علیه یکتن از رهبران حماس در اردن زندانی بودند در سال۱۹۹۷آزاد گردید وبه عنوان نماد مقاومت فلسطین شهرت قابل ملاحظه یی یافت.

شیخ احمدیاسین همواره سعی ورزیده بود میان رهبران وجناح های فلسطینی حتی کشورهای عربی اتحاد ویکپارچگی در مقابل اسرائیل ایجاد نماید وهیچگاه حاضر نشد با اسرائیلیان آتش بس دایمی وصلح را بپذیرد وی خواهان آزادی مکمل فلسطین اشغالی به شمول بیت المقدس ومسجد اقصی گردیده بود.

شیخ احمدیاسین توانست با راه اندازی صندوق های خیریهٔ متعدد بازماندگان خانواده هایی که در جریان انتفاضه زخمی یا شهید شده ویا زندانی می شدند وهمچنان به خانواده های بم گذاران انتحاری کمک های مالی دوامدار نماید.

ادارهٔ خودگردان فلسطینی ها به رهبری یاسر عرفات در سال های۲۰۰۱ و۲۰۰۲ دوبار دست به محاصرهٔ خانهٔ شیخ احمد یاسین زد تا از این طریق بتواند برفعالیت های وی محدودیت ایجاد نماید اما براثر حامیان شیخ این محدودیت ها مرفوع گردید.

حکومت اسرائیل در ماه سپتامبر۲۰۰۳ به خانهٔ احمد یاسین حملهٔ تروریستی انجام داد که باعث شهادت وزخمی شدن برخی از اعضای خانوادهٔ وی شد اما شیخ در منزل دیگری بوده واز سوء قصد جان به سلامت برد تا آن که به روز دوشنبه ارتش اسرائیل بعد از سالها برنامه ریزی موفق شد وی را از پای در آورد.

اقدام اسرائیل از سوی فلسطینیان وجوامع بین المللی مورد انتقاد ونکوهش قرار گرفت، یک تن از رهبران حماس به خبرنگاران گفت: اریل شارون به این جنایت، درهای دوزخ را گشوده است. هزاران تن از فلسطینیان به خیابان ها ریخته وخواهان انتقام وقتل اریل شارون شدند.

یاسر عرفات ضمن تقبیح این عمل، سه روز عزای عمومی اعلان کرد و او را قهرمان شهید خواند. و احمد قریع صدر اعظم ادارهٔ خود گردان فلسطین نیز اقدام اسرائیل را یک عمل بزدلانه توصیف نموده است.

شیخ نصر الله رهبر حزب الله لبنان تعهد سپرد که انتقام رهبر حماس را خواهد گرفت در نخستین اقدام، حزب الله گروهی به نام شیخ احمدیاسین تشکیل کرد وبه اهداف نظامی اسرائیل حملهٔ راکتی انجام داد.

رهبران کشور های عربی ضمن تقبیح این عمل از وخامت اوضاع واز سرگیری دوری دیگر از خشونت ها در خاور میانه هشدار دادند. همچنان اوراهام پوراز وزیر داخلهٔ اسرائیل ضمن مخالفت باعمل اریل شارون از آغازدوردیگر خشونت ها صحبت کرد.

تونی بلیر صدر اعظم انگلیس گفت قتل رهبر حماس که برصندلی چرخدار حرکت می کرد هیچ دست آوردی در پی نخواهد داشت اما یک سخنگوی جورج بوش رئیس جمهور آمریکا حاضر نشد عمل صدر اعظم اسرائیل را محکوم نماید. امریکا اولین کشوری است که از اقدام تروریستی اریل شارون به طور علنی حمایت نموده وشیخ احمدیاسین را رهبر تروریست های دنیای عرب خوانده است.

به نظر تحلیل گران ترور رهبر حماس به هیچ وجه نمی تواند باعث رکود مبارزات آزادی خواهانهٔ فلسطینیان یا مانع عملیات انتحاری آنان که اسرائیلیان از آن بسیار هراس دارند شود بلکه باعث انسجام بهتر گروه های مقاوم فلسطینی وافزایش عملیات انتحاری وحتی قتل رهبران بلند پایهٔ حکومت اسرائیل خواهد شد. تجربه نشان داده است که قتل رهبران، تحرک تازه به حرکت ونهضت های آزادی خواه می بخشد.

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ اول | چهارشنبه ۵ حمل ۱۳۸۳ | ۳ صفرالمظفر ۱۴۲۵ - | 24 March 2004

بهار را در همایشی باشکوه گرامی داشتند



به مناسبت سال نو۱۳۸۳خورشیدی جشن باشکوهی روز شنبه اول حمل در غازی ستدیوم دایر گردید. در این مراسم عنعنه یی صدها تن از شهریان کابل و مسؤولان واحد های اداری این شهر باشرکت شان، میلهٔ نورزی دهقان را رنگ ورونق بخشیدند.

ستدیوم کابل روز شنبه ساعات اول روز آمادهٔ پذیرایی صفوف طویل زارعان و ورزشکارانی بود که بامقصد اشتراک در مراسم نوروزی یاجشن دهقان بانظم وترتیب خاصی وارد می شدند.

کارمندان وزارت زراعت ومالداری با ادای سهم بارز در این مراسم به رونق هرچه بیشتر محیط وفضای ستدیوم افزوده بودند وبا رعایت نظم وآداب مخصوص در برابر تماشا کنندگان رژه رفتند.

زارعان ومالداران نیز در ردیف های منظم وبا نمایش مهارت شان در تربیت وپرورش مواشی وکشت وزرع خوب، به این جشن رنگ وبوی خوش دادند وتماشا کنندگان را دقایقی طولانی مصروف ومسرور ساختند.

و در پایان این جشن پرشکوه بهاری، مردم با دست دعا از خداوند مطالبه کردند تامقدم بهار سال۱۳۸۳را با طراوت باران های پیهم، تازگی بخشد وافغانستان را بازهم باخشکسالی مواجه نگرداند.



پیام احمد ولی مسعود رئیس بنیاد شهید احمد شاه مسعود به مناسبت

سال نوهجری خورشیدی



جهان غافل ازما درگردش خود است، اما گردش او زمان ماست، گردش او سرنوشت ماست.

گردش روزگار باری دیگربه من فرصت می دهد تا به هموطنان عزیز وگرامی ام سلامی به طراوت و تازگی نفس بهارتقدیم کنم وجنبش زندگی ساز طبیعت وتولد دوبارهٔ هستی را به آنان مبارکباد بگویم و درود بفرستم به مردان آزاده وسبکباری شهیدان به خون غنودهٔ افغانستان عزیز که مجاهدت ومقاومت بیش از دو دههٔ آنها سکوت هولناک تاریخ را درهم شکست.

آمدن بهار وحلول سال نو بر همهٔ داغداران وبازماندگان شهیدان مبارک وخجسته باد!

امید آن می رود که همراه با نوگرایی طبیعت وهمگام باشگوفایی وسبزینه گی بهار ما نیز باتلاش های پی گیر وبی وقفهٔ خود سالی توأم باجنبش وتحرک وپویایی وسازندگی داشته باشیم.

اینک ما در آستانهٔ تحولی هستیم که قدرت های اجتماعی جانشین قدرت های فردی می شود.

وبه جای خواسته های افراد متنفذ ومقتدر آرمان های اجتماعی وخواسته های عمومی، رهنمای وضع وتدوین قوانین ومقررات سیاسی واقتصادی می گردد.

کاخ امتیازات طبقاتی وموروثی از هم فرو می ریزد وقدرت اجتماعی مردم ونیروی ارادهٔ دسته جمعی آن ها تعیین کنندهٔ مقررات ونظام ما خواهد بود.

اجتماعی می تواند زمام مقررات خود را در دست گیرد که افراد آن بتوانند روابط آیندهٔ خود را آن طوری که مصالح آن ها ایجاب می کند، تنظیم وبا اعتقاد به اراده واعمال آن به مرحلهٔ اجرا رسانند. اجتماعی که افراد آن با قدرت فکری ومنطقی افکار خود را از محیط محدود وکوچک خود ترقی داده، هدف های کوچک واغراض شخصی خود را تحت اشعاع خیر وصلاح اجتماع قرار دهند، بنا بر این لازمهٔ ایجاد شکاف های روشن وتابناک در افق آیندهٔ رشد فکری واخلاقی اجتماع است.

پس باید درست فکر کنیم وهرچه بیشتر طرز فکر خود را توسعه دهیم واز تشکل وهم آهنگی هم فکران خود که سعادت جامعه را مبنا وشالودهٔ زندگی خود ساخته اند، قدرتی نیرومند ونجات بخش سازیم برای تحقق آنچه امروز در جامعهٔ ما شعار وآرمان شده است.

برای ما که می خواهیم نقش مؤثر انسان ها وطرز تفکرات آن ها را در تحولات اجتماع مورد توجه قرار داده وبراساس درک این مطلب، شرکت مؤثری در سوق دادن

ص ۶

طی محفلی در لیسهٔ امانی

گزارشگر: ملکیار

سال تعلیمی جدید با شعار معارف نوین افغانستان آغاز یافت

سال تعلیمی ۱۳۸۳ طی مراسمی ویژه در تالار لیسهٔ امانی آغاز گردید.

دراین همایش، بعد از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید،آقای حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان، در رابطه به وظایف معلمان وشاگردان صحبت نمود. وی در قسمتی از سخنان خود گفت:طی سال جدیدبه کمک امریکا درافغانستان ۲۵۵ باب مکتب ساخته خواهد شد.

متعاقب آن آقای محمد یونس قانونی وزیر معارف دولت انتقالی اسلامی افغانستان، پیرامون دستاورد های سال گذشته،برنامه های آینده ومشکلات موجود درمعارف افغانستان صحبت نمود وگفت:

مادرسال گذشتهٔ تعلیمی به دستاوردهایی قابل توجه دست یافتیم.

واین سال بی سابقه ترین سال در تاریخ تعلیم وتربیت افغانستان بود،که ۴،۲میلیون شاگرد در آغوش معارف جا داده شد. ازآن جمله بیشتراز ۱،۲میلیون را دختران تشکیل می دهند واین رقم، مشارکت بی سابقهٔ دختران رابه تعلیم وتربیه نشان می دهد.

درسال گذشته موفق شدیم تا یک هزارودوصدوهفده باب موءسسهٔ تعلیمی اعم ازمکاتب عمومی،مدارس دینی، مکاتب مسلکی وموءسسات تربیهٔ معلم را اعماروبازسازی نمودیم وهمچنان بیشتر ازپنجاه هزار معلم آموزش دیدند.

نسل نوافغانستان باتفکرنو در آغوش معارف نوین افغانستان تربیت شوند

این پیشرفت به این معنی نیست، که شاگردان معارف دیگر مشکلی نخواهند داشت.

درسال گذشته، اکثریت مکتب داران ما،معلمان عزیز ماوشاگردان ارجمند ما هنوزاز نداشتن محیط سالم آموزشی رنج می بردند.

بازسازی مکاتب یک چلینج واقعی وبزرگ معارف است،تجهیز مکاتب چلینج دوم ،تربیت معارف چلینج سوم،ارتقای ظرفیت هاچلینج چهارم وانکشاف وتطبیق نصاب تعلیمی جدید چلینج پنجمی است که سال پار، معارف به آن مواجه بود. امیدوار هستیم که در سال جدید این چلینج ها را مرفوع وزمینهٔ یک محیط سالم آموزشی رابرای اهل معارف به وجود بیاوریم.

وزارت معارف مصمم است که معارف افغانستان را در تطابق به استراتژی ملی افغانستان عیار سازد وافغانستان را به یک عضو سالم جامعهٔ بین المللی مبدل نماید. ص۶

کنفرانس برلین در بارهٔ افغانستان در ۳۱ مارس دایر می گردد

دکتر عبدالله وزیر امور خارجه و دکتر اشرف غنی وزیر مالیه روز چهار شنبه طی یک نشست خبری، در مورد برگزاری کنفرانس برلین به خبرنگاران معلومات ارایه نودند.

در این کنفرانس خبری دکتر عبدالله گفت در همایش قریب الوقوع برلین پنجاه و چهار کشور اشتراک خواهند کرد به گفتهٔ وزیر امور خارجه تعدادی زیاد از سازمان ها و نهاد های مالی بین المللی نیز در این کنفرانس اشتراک می کنند .

دکتر عبدالله افزود: در این کنفرانس از جانب افغانستان آقای حامد کرزی ، هدایت امین ارسلا معاون اول ریاست دولت، وزرای خارجه، مالیه، پلان، بازسازی، داخله، امور زنان مشاور امنیت ملی و برخی از کارمندان عالی رتبهٔ وزارت های مربوط اشتراک خواهند کرد.

این کنفرانس به تاریخ ۳۱ مارس الی اول اپریل برای مدت دو روز در برلین برگزار خواهد شد.

در این کنفرانس بر مسایل مربوط به افغانستان در سه بخش سیاسی، بازسازی وامنیتی افغانستان به کار خود ادامه خواهدداد.

بعداً دکتر اشرف غنی وزیر مالیه در مورد صحبت نمود و گفت : دولت افغانستان شش ماه می شود که بالای پروگرام عمومی سرمایه گذاری در افغانستان کار می کند و این پروسه به همکاری سازمانهای بین المللی چون بانک جهانی، بانک آسیایی، مؤسسهٔ توسعه یی ملل متحد و صندوق بین المللی انجام یافته است.

به گفته وزیر مالیه چهارچوب این سند یک پروگرام هفت ساله برای سرمایه گذاری در افغانستان می باشد وی افزود: نقطهٔ مهم این است که ما در برلین تقاضای تمویل یک برنامهٔ هفت ساله را نداریم.